فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۸، صص ۱۴۰ - ۱۱۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۹۰۱۰۵

تبیین راهبردهای محورهای سه‌گانه داخلی، منطقه‌ایی و بین‌المللی در مناقشه سوریه

محمدمهدی میرزائی[۱]
استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج
سروش امیری[۲]
استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۰۲ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۱**

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

وقوع خیزش‌های مردمی و عربی در اواخر ۲۰۱۰ و نفوذ این جنبش‌ها از درعا وارد سوریه شد. با توجه به اینکه بحران سوریه، یک بحران سیاسی و امنیتی چندجانبه، پیچیده و بازیگران مختلف با اهداف متضاد و متعارض است، لذا هدف از نوشتن این مقاله تبیین دقیق موضوع، بازیگران دخیل را به سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تقسیم می‌کند. هر بازیگر داخلی و حامی خارجی، منطقه‌ای و بین‌المللی، آن دارای اهدافی هستند که حفظ و یا سقوط دولت بشار اسد هدف محوری سیاست‌های راهبردی آن‌ها است. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی درصدد بررسی و تبیین راهبردهای محورهای سه‌گانه داخلی، منطقه‌ایی و بین‌المللی در مناقشه سوریه است.در بحران سوریه دو نگرش گوناگون دیده می‌شود. برخی از ناظران این بحران را در راستای جنبش‌های مردمی در خاورمیانه و شمال آفریقا می‌دانند. در این نگاه سوریه همانند سایر کشورهای عربی و آفریقایی، گرفتار مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. از منظر دیگر، بحران سوریه، معلول معادلات و تغییرات ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و بین‌المللی است. لذا مسائل داخلی و تغییرات نقش قدرت‌های منطقه‌ای و معادلات بین‌المللی مسبب این چالش تاریخی است که هدف منطقه‌ایی آن جز تضعیف محور مقاومت به رهبری ایران و نقش روسیه در سوریه نیست. در بُعد داخلی این بحران تداوم خیزش‌های مردمی است؛ پس باید آن کشور را آوردگاهی برای رقابت‌ها و سیاست‌های راهبردی قدرت‌های منطقه‌ایی و فرامنطقه‌ایی و نیز چالش‌های درونی-تاریخی دانست.

واژه‌های کلیدی: مناقشه سوریه،جبهه مقاومت،رقابت‌های راهبردی.عوامل داخلی.

1. mahdiazadmirzaei@gmail.com
2. suroush.jnu@gmail.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

مقدمه

اهمیت ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی سوریه، این کشور را موردتوجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار داده است. موقعیت استراتژیک سوریه ازلحاظ پرستیژ در جبهه مقاومت، مسائل امنیت ملی، رقابت در قدرت منطقه‌ای و توسعه نفوذ در غرب آسیا موردتوجه قدرت‌های منطقه‌ایی و فرامنطقه‌ایی بوده، به‌گونه‌ای که بحران سوریه در پی خیزش مردمی به میدان رقابت این کشورها تبدیل‌شده است. بحران سوریه و تبعات آن‌یکی از پیچیده‌ترین تحولات منطقه خاورمیانه در چند دهه گذشته است که کل منطقه و محیط پیرامون آن را تحت تأثیر قرار داده است. سوریه از کشورهایی است که تقابل و کنش سه عامل جغرافیا، قدرت و سیاست، موجب شکل‌گیری نوعی رقابت بین‌المللی برای مدیریت تحولات داخلی این کشور شده است. مهم‌ترین عارضه ژئوپلیتیک سوریه این است که در مجاورت مرزهای فلسطین، یعنی قلب خاورمیانه و کانون معادلات چند مجهولی این منطقه واقع‌شده است. (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۰۴-۱۰۳). سوریه بازیگری ژئوپلیتیک محور است که با سه عامل واقع‌شدن در منطقه استراتژیک خاورمیانه، قرارگرفتن بر کناره شرقی دریای مدیترانه و برخورداری از کیلومترها ساحل با کشورهای حاشیه این منطقه ارتباط دارد. به دلیل اهمیت و نقش استراتژیک سوریه، بسیاری این کشور را بزرگ‌ترین کشور کوچک جهان می‌نامند. (احمدی، ۱۳۹۷: ٦٥-٩٥).

بحران سوریه منازعه‌ای چندلایه است. بر این اساس، ریشه‌های بحران در سوریه را می‌توان در سه سطح تحلیل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تبیین نمود. در سطح تحلیل داخلی، بحران سوریه از آنجایی آغاز شد که در ۱۱ مارس ۲۰۱۱، چند دانش‌آموز در درعا علیه نظام حاکم شعارنویسی کردند که نیروهای امنیتی آن‌ها را بازداشت کردند. متعاقب این امر شایعاتی مبنی بر تجاوز به این افراد نیز انتشار یافت. (احمدی، ۱۳۹۷: ٦٥-٩٥). ادامه این ماجرا، تجمع اهل سنت در مسجد العمری درعا بود که علیه نظام حاکم شعارهایی سر دادند. دراین‌بین، سرویس‌های امنیتی عربستان و اردن با کمک سران برخی از گروه‌های وهابی، شیوخ عشایر و باندهای قاچاق فعال‌شده و از طریق شعارهایی نظیر «شیعه و علوی در تابوت بمیرد، مسیحی در بیروت» به تحریک مردم پرداختند. اعتراضات شدت گرفت و به‌تدریج سراسر کشور را فراگرفت. دامنه اعتراضات در بعضی شهرها به‌حدی شدت گرفت که نیروهای دولتی مجبور

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

به استفاده از ادوات جنگی سنگین شدند. (عباس‌زاده فتح‌آبادی و مهدی‌پور، ۱۳۹۳: ۲۱). برای پیوند میان معترضان، کمیته‌های مختلف هماهنگی به وجود آمد. هم‌چنین، مخالفان در خارج نیز به تحریک غربی‌ها بر اساس مدل بوجودآمده در لیبی، شورای ملی سوریه را تشکیل دادند. (هین بوش[1]،۲۰۱۲: ۱۰۷). در ادامه، اعتراضات به شکل مسلحانه ادامه یافت. درواقع، گروه‌های مخالف اسد در داخل سوریه شامل شورای ملی سوریه، ارتش آزاد سوریه، ائتلاف ملی نیروهای انقلابی، جبهه آزادی‌بخش، جبهه النصره و دولت اسلامی عراق و شام (داعش) [٦] هستند. نبرد میان مخالفان مسلح و نیروهای دولتی منجر به رقابت جهت کنترل مراکز قدرت سیاسی و اقتصادی در سوریه شده و نیز پیشروی سریع نیروهای داعش در اواسط سال ۲۰۱٤، خاک این کشور را به صحنه تمام‌عیار جنگ داخلی تبدیل کرده است. (ادمز[2]، ۲۰۱۵: ۹). از طرف دیگر؛ دو سطح تحلیل متفاوت دیگر که به واکاوی بحران سوریه کمک می‌کند، سطوح تحلیل منطقه‌ای و بین‌المللی است. هیچ از این دو سطح مستقل از یکدیگر نیستند. تحولات در یک سطح نتایج و تأثیرات خود را بر سطح دیگر می‌گذارد. بنابراین همکاری و ائتلاف‌ها در یک سطح موازی با سطح دیگر است. بازیگران اصلی منطقه‌ای درگیر در بحران سوریه، ایران، ترکیه، عربستان و برخی دیگر از کشورهای حاشیه خلیج‌فارس هستند. سومین سطح از بحران چندلایه‌ای سوریه، لایه بین‌المللی است که بازیگران آن با توجه به قدرت و جایگاهی که در نظام بین‌الملل دارند، حرف نهایی را می‌زنند. بازیگران اصلی این سطح، آمریکا و روسیه هستند.

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

پیشینهٔ تحقیق

روح الله درآینده؛ حمید احمدی (۱۳۹۷).سیاست روسیه در بحران سوریه و پیامدهای آن بر منافع ملی ایران، مقاله ۳، دوره ۱۱، شماره ٤٤، زمستان ،صص٦٩-٩٥. در این مقاله چرایی و چگونگی سیاست ها و اقدامات روسیه در قبال بحران سوریه مورد مطالعه قرار گرفته است. علاوه بر آن، با توجه به اینکه تحولات در سوریه و رویکرد روسیه در قبال آن، به شکل مستقیم و غیرمستقیم دارای پیامدهایی برای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران است؛ لذا در این مقاله، بررسی جامعی از این موضوع شده است. سیاست روسیه در بحران سوریه تلاشی

1. Hinnebusch
2. Adams

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

در جهت ایجاد موازنه در نظام بین‌الملل و مقابله با تهدیدات موجود از طرف غرب و آمریکا بر سر راه امنیت و منافع ملی این کشور است که همسویی مقطعی آن با سیاست‌های ایران تأمین‌کننده منافع ملی ایران است، ولی با این وجود، اختلاف رویکرد این دو کشور و نوع کنشگری آن‌ها می تواند چالش‌هایی را ایجاد کند.

عنایت الله یزدانی؛ عاطفه طحانیان زاده؛ احسان فلاحی (۱۳۹٦).بررسی مقایسه ای راهبرد ترکیه و عربستان در بحران سوریه، مقاله ۸، دوره ٦، شماره ۳ – شماره پیاپی ۲۳، پاییز ، صص۱٦۹–۱۹۲. این مقاله به بررسی نقش دوبازیگر اصلی جریان سازش (ترکیه و عربستان) در بحران سوریه است. این دو کشور با مداخله در بحران سوریه قصد افزایش نفوذ منطقه ای خود را دارند. راهبرد آنکارا– ریاض در عین شباهت دارای تفاوت های نیز هست. اگرچه ریشه های داخلی بحران سوریه انکار ناپذیر است اما نقش بازیگران منطقه ای در تعمیق این بحران قابل توجه است. قدرت های منطقه ای دخیل در بحران سوریه در قالب دو جریان مقاومت و سازش جای می گیرند.

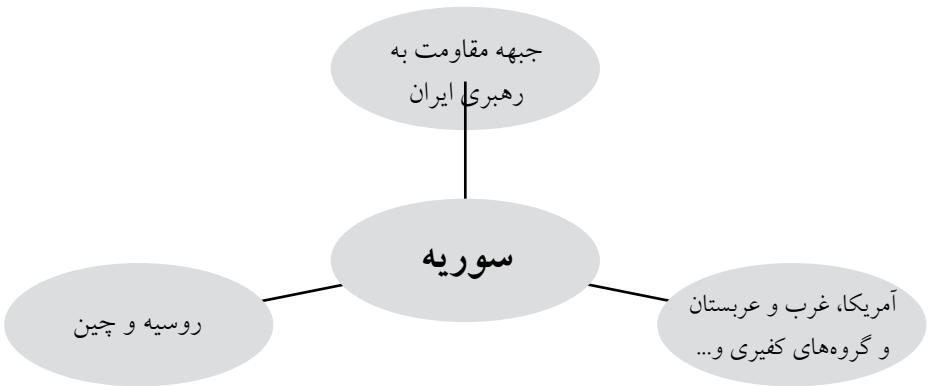
سیدجلال دهقانی فیروزآبادی(۱۳۹۱).بیداری اسلامی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران،فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال۹، ش۳۸، صص۲۳–٤٦. این مقاله می‌گوید که بیداری اسلامی بسیاری از کشورهای محور سازش را با چالش‌های جدیدی داخلی مواجه نموده و از توان آن‌ها برای افزایش فشار بر محور مقاومت کاسته است، هرچند این موضوع سبب صف‌بندی‌های جدید در منطقه شده است.

مبانی نظری

در نظام رقابتی و برای تبیین سازوکارها و الزامات مدل‌های رقابت منطقه‌ای وجهانی واقع‌گرایی نظریه‌ای مناسب برای تبیین روابط درون اتحادیه‌ای، همکاری‌های چندجانبه و رقابت برای نفوذ در مناطق راهبردی و ژئواستراتژیک است. این بدان معنی است که عناصر بنیادی نظریه‌های واقع‌گرایی(واقع‌گرایی کلاسیک، نوواقع‌گرایی و واقع‌گرایی تهاجمی) بهتر و بیشتر می‌توانند اشکال رقابت و نفوذ در مناطق راهبردی (به‌ویژه اشکال نفوذ و راهبردهای رقابت در سوریه) را تبیین کند. دولت‌محوری، بقا، خودیاری، قدرت و امنیت از کلید واژگان

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

بسیار مهم درواقع‌گرایی هستند که در این نظریه جایگاه محوری دارند. (وان اورا[1]،۱۹۹۸: ۳۹) .در طول تاریخ تمامی قدرت‌ها از طریق رویکرد رئالیسم به دنبال حفظ منافع و ارتقای جایگاه خود بوده‌اند. ازنظر «هدلی بول»[2] درحالی‌که انسان‌ها در هر دولتی تابع یک حکومت مشترک هستند، دولت‌های برخوردار از حاکمیت در روابط متقابل (حتی با تشدید موج جهانی‌شدن) چنین وضعی ندارند. (کلارک،۱۹۹۹: ٦۳)[3]. به عبارتی آنارشی واقعیت کانون زندگی سیاسی بین‌المللی است. (گریفتس،۲۰۰٦: ۸۳) . بدین ترتیب دولت‌ها در پیگیری منافع ملی خود ازلحاظ سیاسی باید فارغ از دیدگاه‌های خوش‌بینانه حرکت کنند. آنچه امروز در روابط بین کشورها در خط مقدم قرار دارد، تأمین امنیت و منافع است که بر اساس پتانسیل‌هایی که یک کشور از آن برخوردار است، قابل تأمین است. (گریفتس[4]،۲۰۰٦: ۸۳) در نظام رقابتی امروز، تنها دولت‌ها از طریق به‌کارگیری صحیح ابزارهای سیاسی و آگاهی به علم سیاست مدرن می‌توانند امنیت و منافع حیاتی خود را تأمین کنند. (بوزان، ۱۳۷۸: ۹۱) اساس نظری این تحقیق بر پایه نظریه واقع‌گرایی (واقع‌گرایی کلاسیک، نوواقع‌گرایی و واقع‌گرایی تهاجمی) است و تلاش خواهد شد علاوه بر تبیین اصول نظری مرتبط با این نظریه راهبردهای مرتبط، که در قالب همین نظریه قابل‌بحث است تبیین و تشریح شود.



مدل مفهومی شمارهٔ ۱ از نگارنده: رقابت‌های راهبردی دولت‌های مداخله‌گر در مناقشه سوریه،۱۳۹۸

1. Van Evera
2. Hedley Bull
3. Clark
4. Griffiths

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

تحلیل یافته‌ها

انقلاب‌های پی‌درپی در برخی کشورهای عربی از یک سو، موجب افزایش شدید خشونت و جنگ‌های فرقه‌ای و مذهبی، اوج گیری افراطی‌گری، کشته شدن بیش از نیم‌میلیون نفر و آوارگی دهها میلیون نفر از شهروندان کشورهای مختلف عربی، تخریب وسیع زیرساخت‌های کشورهایی مانند: سوریه، لیبی، عراق و یمن و تشکیل ائتلاف‌های جدید منطقه‌ای و بین‌المللی و... گردید و از سوی دیگر، آینده‌ای بسیار مبهم را رقم زده است؛ بر این اساس پاره‌ای از صاحب نظران معتقدند فرقه‌گرایی و تشدید اختلافات طایفه ای و مذهبی و پدیدار شدن دولت‌های عاجز و ناتوان کشورهای عربی از جمله سوریه؛ همچنین ظهور بازیگران قدرتمند غیردولتی فراملی مانند: داعش، جبهه‌النصره، فتح الشام، و کنش‌گری فعال بازیگران بین‌المللی و منطقه ای، نظم سیاسی و امنیتی موجود در منطقه غرب آسیا را متحول کرده و نظم جدیدی در این منطقه را رقم می‌زند. در این‌که وضعیت سوریه را جنبش اجتماعی یا انقلاب یا بحران سیاسی موقت نامید باید دقیق‌تر بررسی شود و منتظر ماند که آینده آن را بیشتر در کدام ویژگی‌های موردنظر جای خواهد داد. اما آنچه ازنظر نگارنده مهم است، نقش بازیگران خارجی در آن و پیگیری اهدافی است که آن‌ها دنبال می‌کنند وگرنه شاید به‌جرئت می‌توان گفت در هر کشوری «حاشیه‌ای شدن، شکاف غنی و فقیر، همراه با آگاه‌تر شدن از وضعیت خود، مردم را به‌سوی انقلابی از انتظارات برآورده نشده رهنمون کرده است.» (پوال و جوریس،۲۰۰۹: ۱۰۷)[1]. اما شرایط مشابه سوریه در هر کشوری دیگر از جانب کشورها با نگاهی متفاوت‌تر نگریسته می‌شود، چنان‌که در این کشور اتفاق می‌افتد. که اینک در مورد سوریه کشورهای خارجی «در سطح ابرقدرت مطلق جهانی مانند ایالات‌متحده آمریکا و چه در سطح قدرت‌های بزرگ نسبی و جهانی مانند چین، روسیه و فرانسه و چه در سطح قدرت‌های متوسط نسبی منطقه مانند «ایران و اسرائیل» در آن مؤثر و پیگیر اهداف ملی خویش‌اند تا بتوانند بر رقیبان خود پیروز گردند. به‌طورکلی عوامل بسیاری به‌عنوان پیشران در بحران سوریه وجود دارد که در جداول زیر به آن‌ها پرداخته‌شده است.

1. Paul& Joris Van Duijne

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

جدول شماره۱: پیشران‌های داخلی، منطقه‌ایی و فرامنطقه‌ایی در مناقشه سوریه

نوع عوامل	عوامل داخلی	عوامل بیرونی
سیاسی(هیئت حاکمه تمامیت‌خواه)	سرکوب اعتراضات مردمی و مدنی	خیزش‌های مردمی منطقه؛ رقابت‌های بازیگران منطقه‌ایی و فرامنطقه‌ایی
اقتصادی	بحران اقتصادی و نابرابری اقتصادی	تحریم‌های احتمالی
اجتماعی	رشد اندیشه‌های تجدیدنظر طلبانه؛ تعارضات مذهبی؛ قومی و ایدئولوژیکی	فضای مجازی و نهادهای غیر حکومتی

طرح از نگارنده،۱۳۹۸

با توجه به مطالب عنوان‌شده در این بخش به رویکرد قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در مورد سوریه می‌پردازیم.

راهبردها و سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی قبل از بحران سوریه

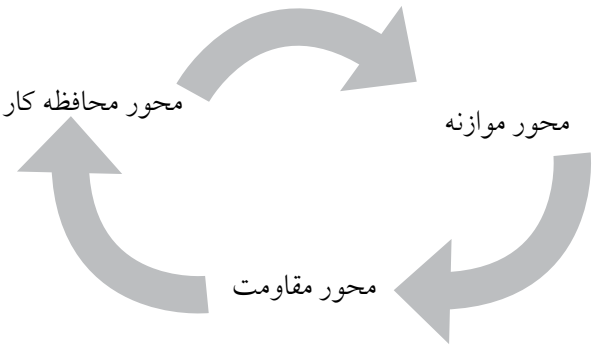
راهبردهای منطقه‌ای در مناقشه سوریه

جایگاه ژئوپلیتیک سوریه حائز اهمیت است؛ ژئوپلیتیک سوریه به این کشور جایگاهی استراتژیک بخشیده است و آن را در نزد قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بااهمیت نموده است. درواقع، یکی از عوامل اصلی که محرک (انگیزه) تداوم بحران سوریه توسط عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی شده است، جایگاه ویژه ژئوپلیتیک سوریه است. به‌طورکلی، اهمیت ژئوپلیتیک سوریه ناشی از این عوامل است:

دارای جایگاه مرکزی در حوزه‌های ژئوپلیتیک آسیای صغیر و دریای مدیترانه، شبه‌جزیره عربستان و به‌طورکلی، خاورمیانه؛-پیوند سوریه با درگیری‌های اعراب ـ اسراییل؛-«حلقه وصل» اعضای محور مقاومت شامل ایران، عراق، حزب ا... لبنان و حماس. (فلسطین). بُعد دیگر بحران سوریه ـ که «مهم‌ترین» بعد آن است ـ به دخالت‌های منطقه‌ای و خارجی مربوط می‌شود. درواقع، تداوم بحران سوریه ناشی از رقابت بین دو جریان متضاد «مقاومت» و «محافظه‌کار عربی» در منطقه خاورمیانه است. توضیح آنکه، پیش از انقلاب‌های عربی و به راه افتادن موج بیداری اسلامی در کشورهای عربی، نظام منطقه‌ای حول دو محور مشخص یعنی «محور اعتدال یا محافظه‌کار» و «محور مقاومت یا پایداری» شکل‌گرفته بود. محور اعتدال شامل کشورهای مصر، عربستان سعودی، اردن، تونس، مراکش، جریان ١٤ مارس لبنان به رهبری سعد حریری، تشکیلات خودگردان فلسطین و چند کشور دیگر خلیج‌فارس بودند.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

ویژگی اصلی این محور این بود که اعضای این محور سیاست خارجی خود را در چارچوب سیاست‌های خاورمیانه‌ای غرب و به‌ویژه ایالات‌متحده آمریکا تعریف می‌کردند. درحالی‌که «محور مقاومت» یا «پایداری» که شامل کشورهای ایران و سوریه و گروه‌های مقاومت حزب ا... لبنان و حماس در فلسطین هستند، در تضاد باسیاست‌های منطقه‌ای آمریکا قرار دارند. لازم به ذکر است که به این محور می‌توان عراق را نیز افزود. محور سومی نیز می‌توان در این منطقه تصویر کرد که بیشتر رویکرد میانه و موازنه را در منطقه اعمال می‌کردند. ترکیه، قطر و الجزایر نیز بین این دو محور قرار داشتند. ترکیه و قطر، در سال‌های اخیر بیشتر نقش متعادل‌کننده را در مسائل خاورمیانه ایفاء کرده‌اند. مواضع این دو کشور در برخی موارد همسو با جریان مقاومت و در برخی موارد دیگر پیرو جریان محافظ کار بوده‌اند. در این میان، سوریه در محور مقاومت از جایگاه ژئوپلیتیک و استراتژیک ویژه‌ای برخوردار است؛ چراکه حلقه اتصال بین ایران و عراق با مقاومت اسلامی در لبنان و فلسطین است. بلوک منطقه‌ای قبل از بحران به سه بلوک تقسیم می‌شد:



مدل مفهومی شماره۲ از نگارنده: راهبرد رقبای منطقه‌ای قبل از بحران سوریه

کشورهای دیکتاتوری(محور محافظه‌کار) عربستان و امارات بارویکرد توسعه جریان وهابیت و سلفی افراطی در منطقه از یک‌سو و با محور قراردادن راهبردهای محافظه‌کار و مخالف تغییر در داخل در تقسیم‌بندی منطقه‌ای در بلوک محافظه‌کار قرار دارند همان‌طور که قبلاً هم توضیح داده شد این کشورها تحت تأثیر آمریکا در نظام جهانی قرار دارد. در محور مقاومت ایران با ادعای رهبری در ژئوپلیتیک تشیع و چند قدرت منطقه‌ای دیگر قرار

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

دارند که اگرچه برخی از آن‌ها ویژگی یک دولت ملت را ندارند اما به لحاظ تأثیرگذاری در تعاملات منطقه‌ای بسیار مقتدر عمل می‌کنند حماس و حزب‌الله ازجمله بازیگران این بلوک هستند(ناصر،۲۰۱۳: ۲۱).کشورهای (موازنه)ترکیه، قطر و الجزایر تقریباً بارویکرد پراگماتیسمی و برای کسب منافع بیشتر اقتصادی در منطقه سعی در برقراری نوعی موازنه در میان دو راهبرد بودند. روابط فزاینده اقتصادی سیاسی ایران با ترکیه، موافقت‌نامه امنیتی ترکیه– سوریه در سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ و قبل از شروع بحران و بسیاری از تعاملات کشور ترکیه و قطر در منطقه بیانگر نیروی موازنه دهنده این بلوک قبل از بحران بوده است. (جورج،۲۰۱۳: ۱۳۹). اما درنتیجه انقلاب‌های عربی تغییر گسترده‌ای در ژئوپلیتیک منطقه روی‌داده است و تا مشخص شدن نتیجه نهایی این انقلاب‌ها، منطقه به‌نوعی در وضعیت گذار قرار دارد و بحث و تبادل‌نظر در مورد این موضوع نیازمند نوعی ثبات سیاسی در منطقه است. پس از وقوع انقلاب‌های مردمی در جهان عرب، برخی بازیگران اصلی محور مقاومت همچون مصر و تونس در حال خروج از این محور هستند. به‌ویژه آنکه انقلاب مصر ضربه بسیار سختی به محور میانه‌روی عربی وارد کرد. پس از وقوع انقلاب مصر، تاکنون شاهد سیاست‌های ضد رژیم صهیونیستی این کشور بوده‌ایم. بنابراین، سقوط رژیم‌های طرفدار غرب و اسراییل ضربه سختی هم به غرب و هم به جریان میانه‌روی عربی بوده است و در صورت به ثمر نشستن کامل انقلاب‌های عربی و روی کار آمدن رژیم‌های مردمی، توازن قوا به نفع جریان مقاومت منجر خواهد شد و این امر تهدیدی جدی برای منافع آمریکا در منطقه، امنیت وجودی اسراییل و تضعیف قدرت جریان محافظه‌کار عربی خواهد بود(کسینجر،۱۳۸۳: ۳۲۶). بر این اساس، غرب در دو مسیر حرکت می‌کند: غرب و به‌ویژه ایالات‌متحده ادعای مدیریت انقلاب‌های عربی را دارد و به‌طور عمده در تلاش است که این راهبرد و سیاست را از طریق ترکیه و ارائه الگوی حکومتی این کشور پیش ببرد. اگرچه این امر با مقاومت‌های جدی از سوی مردم منطقه مواجه شده است. (جورج،۲۰۱۳: ۱۳۰)؛ جبهه دومی که غرب و جریان محافظه‌کار عربی برای بازیابی قدرت خود در منطقه خاورمیانه در آن فعالیت می‌کنند، سوریه است. ازاین‌رو، حمایت همه‌جانبه رسانه‌ای، مالی و تسلیحاتی جریان محافظه‌کار عربی باهمراهی غرب از اعتراضات سوریه مشاهده می‌شود. این امر به بحران داخلی سوریه دامن زده است. به‌عنوان نمونه، در همان آغاز بحران سوریه، ارسال کمک‌های مالی و انتقال سلاح

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

به داخل سوریه از طریق لبنان (در مرز غربی سوریه و به حمص) و اردن (در مرز جنوبی سوریه و به درعا) شروع شد که این امر بر عمق بحران افزود. در این مورد، می‌بایست به نقش عربستان سعودی نیز اشاره نمود که سلفی‌ها را در حمص و حماه سازمان‌دهی کرده است. ازاین‌رو، بحران سیاسی سوریه بیش از هر چیز نتیجه مداخله قدرت‌های خارجی در محور محافظه‌کار عربی است(کانستنتین،۲۰۱۲: ۳۷).

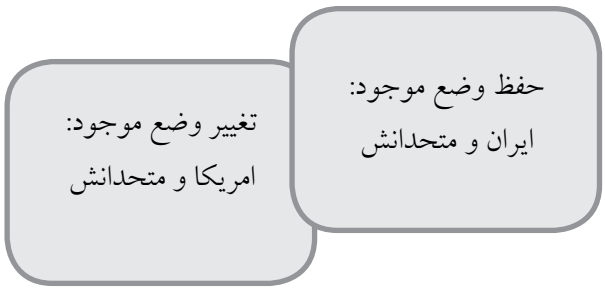
راهبرد بین‌المللی در مناقشه سوریه

قبل از بحران سوریه سیستم نظام بین‌الملل تقریباً با راهبردهای سابق نظام بین‌الملل در دوران جنگ سرد می‌گذشت. اروپای غربی و آمریکا به دلیل حمایت از اسرائیل در جبهه مخالف سوریه بوده و روسیه و چین بنا به دلایل بی‌شماری که موضوع این بحث نیست در گروه دیگری که به دنبال ثبات اقتصادی و سیاسی و عدم حضور آمریکاست در بلوک دیگر هستند بدیهی است این نوع آرایش در جهان تحت تأثیر تحولات سوریه نیست و بر تحولات سوریه تأثیرپذیر است. (راجرز، ۱۳۸۸: ۱۸۸) این نوع راهبرد دو گروه را در مقابل همدیگر قرار می‌دهد. آمریکا، انگلیس و اتحادیه اروپا در یک سمت و روسیه، چین و ایران در سوی دیگر با علایق هرچند متفاوت ولی نزدیک به هم قرار دارند. ایران به دلیل حمایت از جریان‌های مردمی در منطقه همواره رویکرد «تغییر وضع طلب» در منطقه داشته اما به دلیل مخالفت با ورود آمریکا به منطقه، حفظ وضعیت داخلی و تداوم نفوذ در منطقه به جریان محافظه‌کار جهانی پیوسته است(هرمان،۲۰۱٤: ۳۹)[1]. روسیه نیز تقریباً موضعی مانند ایران دارد این کشور مخالف حضور آمریکا در منطقه است ضمن آنکه که به دنبال احیای قدرت خود با نفوذ در خاورمیانه هست. موضوع کشور چین کمی متفاوت‌تر و بیشتر بارویکردهای اقتصادی قابل توجیه است. هرگونه بی‌ثباتی در منطقه خاورمیانه بازارهای بکر تحت سلطه چین را با چالش مواجه خواهد کرد به همین دلیل چین در بلوک محافظه‌کار قرار دارد. البته در مباحثی که به رویکرد قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای تعلق خواهد گرفت، در مورد مواضع دقیق این کشورها در مورد بحران سوریه بازگو خواهیم کرد و این رویکردهای عنوان‌شده با بررسی دیدگاه سنتی کشورهای یادشده است(سین،۲۰۱۲: ٤۹).عوامل شکل‌دهنده بر این

1. Herman

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

نوع بلوک‌بندی بسیار زیادتر و پیچیده‌تر از یک موضوع منطقه‌ای مانند بحران سوریه است، که به رقابت‌های جهانی بازیگران منطقه و بین‌المللی مرتبط است اما نکته‌ای که مورد تأکید است این است که بحران سوریه به‌شدت از نوک صف‌بندی جهانی و منطقه تأثیرپذیر است.ا شکل زیر نشانگر بلوک‌بندی جهانی است که به نظر می‌رسد در حین بحران سوریه نیز با کمی تغییر باشد.



مدل مفهومی شماره۳ از نگارنده،۱۳۹۸

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

رقبای جهانی قبل از بحران سوریه

درخصوص تبیین مسئله سوریه ازلحاظ سطح بین‌المللی، ذکر دو نکته حائز اهمیت است: نکته نخست آنکه، استراتژی خاورمیانه‌ای ایالات‌متحده آمریکا همواره بر دو محور بوده است:

۱) انتقال ارزان‌قیمت نفت خاورمیانه و نیز تأمین امنیت انرژی؛

۲) حفظ امنیت اسراییل. بر این مبنا، از دیدگاه غرب و به‌ویژه آمریکا،

چنانچه سوریه که حلقه وصل اعضای محور مقاومت است، سقوط کند و جهت سیاست خارجی این کشور به‌سوی جریان محافظه‌کار تغییر یابد، به‌نوعی شاید امنیت اسراییل پس از انقلاب‌های عربی و به‌ویژه انقلاب ژانویه ۲۰۱۱ در مصر تا حدی ترمیم خواهد شد. نکته دوم، به تفاوت رویکردهای «آمریکا و غرب» و «روسیه و چین» در قبال تحولات جهان مربوط می‌شود که نمود آن را در حق وتوی روسیه و چین برای عدم تصویب قطعنامه شورای امنیت علیه رژیم سوریه می‌توان مشاهده کرد. به‌طورکلی، عدم همراهی چین و روسیه و موضع‌گیری‌های متفاوت این دو کشور در قبال مسئله سوریه را در مقایسه با کشورهای غربی بنا به این دلایل می‌توان توضیح داد:

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

۱) به‌طورکلی، رویکرد کلی روسیه نسبت به تحولات جاری در خاورمیانه عربی، در چارچوب انتقاد مسکو از برخورد دوگانه غرب در قبال انقلاب‌های اسلامی ـ مردمی منطقه می‌گنجد. به‌طوری‌که روسیه معتقد است که سکوت کشورهای غربی و آمریکا در برابر موارد نقض حقوق بشر و ارزش‌های انسانی در یمن، عربستان سعودی و به‌ویژه بحرین و برعکس، توجه ویژه آن‌ها به موضوع سوریه ناشی از رویکرد دوگانه غرب در برابر بازیگرانی است که هژمونیک بودن آمریکا در منطقه را نپذیرفته‌اند(سین،۲۰۱۲: ٤٠)؛

۲) از دیدگاه چین، ایران و سوریه در کنار یکدیگر نه‌تنها به‌عنوان بازیگرانی موازنه کننده در برابر محور محافظه‌کار عربی به ایفای نقش پرداخته‌اند، بلکه به‌عنوان مانع مهمی در برابر تسلط کامل آمریکا و هژمونیک شدن نظم منطقه‌ای (خاورمیانه) بوده‌اند؛

۳) به باور روس‌ها، غرب سعی در تحمیل ارزش‌های خود در منطقه خاورمیانه و بنا بر ادعای آمریکا، مدیریت تحولات منطقه را دارد. اگرچه این امر با مقاومت‌های جدی از سوی مردم منطقه مواجه می‌شود؛

٤) همان‌طور که بیان شد سوریه و ایران همواره به‌عنوان مانع مهمی در مقابل تسلط کامل آمریکا در منطقه بوده‌اند. ازاین‌رو است که مسئله سوریه فقط یک مسئله داخلی نیست، بلکه در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی دارای اهمیت است. نتیجه آنکه، مجموعه عوامل مذکور یعنی تضعیف احتمالی محور مقاومت از طریق سوریه و تغییر جهت احتمالی سیاست خارجی این کشور باروی کار آمدن متحدان غرب ـ از طریق تداوم یا تشدید تحولات جاری سوریه و فروپاشی نظام سیاسی این کشور یا حاکم کردن هرج‌ومرج بر آن توسط کشورهای غربی و متحدان منطقه‌ای آن‌ها و نیز مطابق با تلاش و سناریوی کشورهای غربی یکی از عوامل برهم زدن توازن منطقه‌ای و حتی جهانی به نفع غرب خواهد بود.

مداخله‌گران بیرونی

ترکیه در مناقشه سوریه

با شروع تحرکات در سوریه، موضوع ترکیه نیز به موضوعی پیچیده و متغیر تبدیل‌شده است. دکترین استراتژیک ترکیه نوین را نو عثمانی گری نام نهاده‌اند. ازجمله مؤلفه‌های این دکترین عبارت‌اند از: ۱- ترکیه باید نقش پررنگ فعال و متناسب با گذشته پرشکوه و عمق

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

جغرافیایی خود ایفا کند. ۲- برای اجرای آن باید روی قدرت نرم خود سرمایه‌گذاری کند؛ زیرابه نظر او کشورش باهمه‌ی مناطق یادشده دارای روابط تاریخی و فرهنگی است. ۳- نهادهای سیاسی داخلی این کشور می‌توانند الگویی برای کشورهای این مناطق باشند. ٤- اقتصاد آن بازوی قدرتمندی برای پشتیبانی ازاین‌روابط است. ٥- باید در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، نقش مهمی را ایفا نمود. ٦- باهمکاری اقتصادی، سیاسی و امنیتی با کشورهای منطقه نیاز به مداخله قدرت‌های خارجی را از بین برد. ۷- به‌جای التماس و صرف هزینه‌های گزاف برای پیوستن به اتحادیه اروپا، باید روی کشورهای منطقه سرمایه‌گذاری کند؛

در خصوص رابطه ترکیه با سوریه باید در نظر داشت که این رابطه سال‌ها تلخ بود و مشخصاً چهار موضوع حمایت سوریه از پ. ک. ک شامل نگهداری از عبدالله اوجالان، رهبر این حزب در آن زمان، مناقشات بر سر آب، موقعیت سوریه در زمینه سلاح‌های کشتارجمعی و ادعای سوریه بر استان حتای ترکیه، موجبات تلخی این روابط بودند. اتهامات ترکیه و تقویت نظامی این کشور در مرزها، سوریه را مجبور کرد که موافقت‌نامه ادنا، مبنی بر پایان حمایت از پ. ک. ک و اخراج اوجالان را در ۲۰ اکتبر سال ۱۹۹۸، امضا نماید. (هنسن، تافت، ویول، ۱۳۹۰: ١٦١). حزب حاکم اسلام گرای عدالت و توسعه ترکیه سعی دارد که با توسعه روابط با احزاب اسلام گرای سوریه و مصر، روابطی راهبردی جدیدی برپایه منافع ترکیه با سوریه و مصر ایجاد کند که این امر می‌تواند با دفاع از شاخه فلسطینی اخوان یعنی حماس به شیوه های نوین در عرصه بین‌المللی، هم در راستای احیای نفوذ ترکیه در جهان اسلام پس از فروپاشی امپراطوری عثمانی است و هم در راستای نتیجه بخش بودن این استراتژی در دفاع از حقوق فلسطینی ها طبق قطعنامه ۲٤۲ سازمان ملل مبنی بر تشکیل دوکشور بر اساس مرزهای ۱۹٦۷ هست. در این حال سوریه نیز ممکن است در صورت وقوع تشدید تعارض دو کشور اقدام به تحریک کردها و علویان در ترکیه نماید(جورج،۲۰۱۳: ۱۳۷)[1]. اگر بخواهیم روابط سوریه با کشور ترکیه را بررسی کنیم زمینه‌های ملموس شکنندگی این ارتباط را می‌توان درک کرد. زمینه‌هایی چون:

-اختلاف بر سر تقسیم آب رودخانه فرات؛-- همراهی ترکیه با امریکا در مسائل خاورمیانه ازجمله صلح و مبارزه با تروریسم (حسنی،۱۳۸۸: ۲۸)؛-- ارتباط امنیتی و استراتژیک با اسرائیل.

1. George

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

جانب‌داری دولت سوریه از حزب کارگران کردستان[1]

درظاهر امر گزینه آخر یعنی حمایت‌های اطلاعاتی، مالی، آموزشی سوریه از پ.ک.ک. زمینه عصبانیت ترکیه را از سوریه به وجود آورده است. زیرا مشخص بود که از دهه هشتاد، تأسیس، آموزش و اعزام نیروهای پ.ک.ک. که درگیر حملات خشونت‌آمیز با ترکیه است از سوریه شروع گردیده و به قولی ۲۵ درصد نیروهای این تشکل نظامی و چریکی ضد ترکیه‌ای، کردهای سوریه هستند و تصرف زودهنگام شهرهای کردنشین سوریه توسط مخالفان، ظاهراً این ادعا را ثابت کرده است. حال که ازنظر ترکیه کشور همسایه سوریه جزء حامیان گروه تروریستی پ.ک.ک.[2] بوده و «اجازه آموزش در خاک خود، ارائه سلاح ، کمک‌های مالی و آموزش عمومی توسط حکومت سوریه ... » را به این گروه داده است.

ایران در مناقشه سوریه

اظهارات مسئولان ایرانی در مورد اعتراضات سوریه، تعبیر آن به اغتشاشاتی است که توطئه آمریکایی اسرائیلی است که خواهان از بین بردن محور مقاومت در منطقه است. بنابراین هرگونه تضعیف اسد، تضعیف منافع استراتژیک ایران در منطقه است. در این راستا اتهاماتی نیز بر ایران وجود دارد که به سوریه کمک‌های تسلیحاتی و نیز کمک پرسنلی به سوریه در مدیریت بحران داخلی خود کرده است که ایران آن‌ها را رد نموده است(سین،۲۰۱۲: ٤٩). از منظر جمهوری اسلامی ایران، غرب یک نیروی اشغالگر و توطئه‌گر است که مهم‌ترین راهبردش در برابر اسلام، مقابله با هویت‌یابی و بازاندیشی جهان اسلام است. امروزه این بازاندیشی به‌عنوان پارادایم مقاومت تعریف و شناخته می‌شود. پارادایم مقاومت در نقطه‌ی مقابل پارادایم اشغال و سلطه‌جویی قرار دارد و معتقد است که تغییرات در منطقه باید در چهارچوب مصالح و منافع درونی کشورهای اسلامی صورت پذیرد. بر همین اساس جمهوری اسلامی ایران از اصلاحات درونی سوریه دفاع می‌کند که نتیجهٔ آن نقش‌آفرینی بیشتر مردم این کشور در عرصه سیاسی و اجتماعی و قدرت‌یابی بیشتر سوریه در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و نیز افزایش قدرت دفاعی سوریه در برابر غرب و رژیم صهیونیستی و توسعه اقتدار امنیتی سوریه خواهد بود.

1. The Kurdistan Workers' Party or PKK is a militant and political organization based in Turkey and Iraq

2. The Kurdistan Workers' Party or PKK .

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

هم‌چنین جمهوری اسلامی از تمام ظرفیت خود برای کمک به مردم سوریه بهره می‌گیرد و با روندهای بین‌المللی خواستار تضعیف سوریه مقابله می‌کند.از یک نگاه واقع‌گرایانه، آینده آرایش سیاسی حکومت سوریه، همانند اهمیت آن برای بازیگران رقیب، برای ایران ازلحاظ حفظ و تقویت نقش منطقه‌ای، موازنه قدرت و تقویت جریان «مقاومت» بسیار مهم است. حتی مواضع روسیه هم از این لحاظ به سیاست ایران نزدیک است. (ناصر،۲۰۱۳: ۲۱)[1]. در منطقهٔ خاورمیانه ایران جزء کشورهایی است که حاضر به پذیرش هژمونی (برتری) اندیشه‌های غربی به‌ویژه آمریکا نیست. درنتیجه سد معبر و مانعی اساسی در برابر آرمان‌ها و اهداف این کشورها به شمار می‌رود. (راجرز، ۱۳۸۸: ۱۸۸). جمهوری اسلامی ثابت کرده است که اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد، مخالف حضور آمریکا در عراق و افغانستان است، صلح خاورمیانه را با این شیوه قبول ندارد، دیدگاهی جداگانه نسبت به تغییرات کشورهای عربی بیان می‌دارد و ... یعنی ایران حاضر نیست به‌عنوان یک «بازیگر حاشیه‌ای»[2] در نظر گرفته.(سین،۲۰۱۲: ۹۹)[3].

درنتیجه ایران در بحران سوریه به دنبال اهداف زیر هست:

الف) جلوگیری از تغییر نظام سوریه. چراکه ایران و این کشور علیه آمریکا و اسرائیل اتحاد و منافع مشترک دارند؛

ب) پیروزی آمریکا در سوریه منافع ایران در منطقه به‌ویژه در فلسطین و لبنان را به خطر خواهد انداخت. درنتیجه تلاش جمهوری اسلامی برای شکست آمریکا در سوریه و حتی کشورهای دیگر منطقه مانند افغانستان و عراق منطقی به نظر می‌رسد؛

ج) اتحاد ایران و سوریه و ارتباط با روسیه موازنه‌ای منطقی در منطقه ایجاد خواهد کرد که از زیاده‌روی‌های آمریکا و حملات دیگر آنان جلوگیری خواهد کرد. (سیف زاده،۱۳۸٦: ۳۵)؛

د) عدم تثبیت وضعیت سوریه، احتمالاً بحران قومی را در منطقه افزایش خواهد داد و منافع کشور ایران نیز به‌نوعی در تضاد با بحران‌های مذهبی و قومی است.

عربستان در مناقشه سوریه

عربستان هیچ‌گونه تصور باطلی نسبت به پیروزی کامل در سوریه ندارد، اما حمایت‌های

1. Nasser
2. By stander
3. Singh

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

گسترده عربستان از گروه‌های مخالف و ضد اسد در سوریه تاکنون متوقف نشده است. عربستان از امتیازات کمک‌های تسلیحاتی، نظامی، سازمانی و حمایت‌های خارجی متحدان سوریه به دولت بشار اسد به‌خوبی آگاهی دارد. بااین‌حال، حاکمان عربستان امیدوارند تا از طریق حمایت‌هایی که برای گروه‌های مخالف سوریه فراهم می‌کنند، بتوانند بدون هیچ‌گونه هزینه قابل‌توجه و مستقیمی خسارات مالی و نظامی را به دشمنانشان وارد آوردند(انا،۲۰۱٤: ۷۱). اگرچه عربستان سعودی نسبت نقش بلندمدت گروه تروریستی داعش نگران است، اما چندان هم بدش نمی‌آید که ایران در دو جبهه جنگ سوریه و عراق درگیر باشد. این درحالی است که ایران از این خواسته عربستان آگاه است و همین امر دشمنی بین طرفین را تشدید می‌کند. بنابراین این موضوع نیز حائز اهمیت است و نباید از آن غافل شد. درگیری میان گروه‌های طرفدار برقراری ثبات و گروه‌های تندرو و ضد ایرانی در کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس، تنش‌های موجود بر سر سیاست‌های فعلی را تشدید کرده است. برخی از کشورهای حاشیه خلیج‌فارس بر این باورند که سرنگونی حکومت بشاراسد و تضعیف ایران نباید از طریق سرمایه‌گذاری‌های کلان و حمایت‌های مالی از گروه‌های مخالف صورت بگیرد. درواقع یک گروه محتاط‌تر و طرفدار برقراری ثبات نیز در میان کشورهای منطقه وجود دارند که به طرز فزاینده‌ای نسبت به عواقب سرمایه‌گذاری در گروه‌های مبارز خارجی هشدار می‌دهند. این گروه از کشورها معتقدند که تقویت گروه‌های مخالف می‌تواند امکان رشد و گسترش گروه‌های افراطی و رادیکالی نظیر گروه تروریستی داعش را افزایش دهد(الیزابت،۲۰۱۳: ٦)[1].

قطر در مناقشه سوریه

کشور قطر را با دارا بودن ۱۲ هزار کیلومترمربع مساحت و یک و نیم میلیون نفر جمعیت، بدون شک بایست یک کشور ذره نامید. در نظریه‌های روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، عمده‌ترین چالش پیش روی دولت‌هایی ازاین‌دست، حفظ بقاء در نظر گرفته می‌شود. بر این اساس گفته‌شده چنین کشورهایی یا با ابرقدرت‌ها متحد نظامی می‌شوند تا دشمنان آن‌ها نتوانند به آن‌ها حمله کنند و یا این‌که سعی می‌کنند بین قدرت‌های منطقه و یا قدرت‌های جهانی،

1. Elizabeth

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

توازن به وجود آورند. بر همین اساس تحلیلگران معتقدند دوحه با ورود به همه حوزه‌های بحران می‌کوشد تا با بلندپروازی‌های بزرگ و دیپلماسی فعال، مانع از آن شود تا کسی به جغرافیای ذره‌بینی آن بیندیشد. قطر هزینه‌های سنگینی را در سوریه صرف کرده است، و به دنبال آن است که در تصمیم‌گیری‌ها آینده این کشور تأثیرگذار باشد(کانستنتین،۲۰۱۲: ۱۲۲)[1].

آمریکا در مناقشه سوریه

این کشور ابرقدرت در دوران دوقطبی و پس از پایان جنگ سرد و خصوصاً پس از حادثه ۱۱ سپتامبر بیشترین تمرکز را در منطقه خاورمیانه داشته و دارد. (یزدان فام، ۱۳۸٤: ۲۰۰). بسیاری از انگیزه‌های مشخص آن مانند «حمایت از اسرائیل، صلح خاورمیانه، ممانعت از گسترش سلاح‌های کشتارجمعی، کنترل تروریسم، نفت» در آن حتمی است. اما واقعیت این است که آمریکا کنترل انرژی اروپا، نظم نوین جهانی (آمریکایی) گسترش اندیشه‌های لیبرالیسم، «تفوق»[2] بر دیگر کشورها به‌ویژه کشورهای مخالف خود در سر می‌پروراند و اینک سوریه در چنین بحرانی قرارگرفته، که آمریکا آن را تبدیل به فرصتی کرده تا بتواند بیشترین بهره‌برداری را از آن داشته باشد. بهره‌هایی چون:

الف) حمایت از رژیم اسرائیل در مناقشه سوریه: آمریکا دلیل حمایت خود را از اسرائیل جدا از اشتراکات ایدئولوژیک اندیشه‌های لیبرالیسم با این کشور به این دلیل هم بیشتر پیگیری می‌کند که سوریه متمایز از بیشتر کشورهای عربی خاورمیانه، بیشترین چالش را با اسرائیل و آمریکا دارد. سوریه قوی می‌تواند همراه نفوذی که در لبنان دارد، امنیت این کشور یهودی و دارای آرمان‌های لیبرالی غربی در کشورهای مسلمان منطقه را به خطر بیندازد. چراکه هیچ‌کدام از آمریکا و اسرائیل نمی‌خواهند سوریه در منطقه و به‌ویژه در لبنان صاحب ابتکار سیاسی شود، زیرا «چنین اتحادی بین لبنان و این کشور و برتری سوریه باعث عقب‌نشینی اسرائیل از بلندی‌های جولان و یا آرامش لبنان خواهد شد» و این وضعیت هیچ‌گاه به نفع اسرائیل موردحمایت آمریکا و کشورهای غربی نبوده و نخواهد بود. (بندتا،۲۰۱٤: ۱۷۱)

ب) ضربه زدن به اتحاد ایران و سوریه: پیروزی انقلاب اسلامی و مقابله ایدئولوژیک نظام جدید انقلابی با رژیم اسرائیل و به رسمیت نشناختن آن از سوی حکومت ایران نقطه

1. Constantin
2. Dominance

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

اشتراکی بود با دولت سوریه که خواستار مقاومت و بازپس‌گیری بلندی‌های جولان و در تنگنا قرار دادن اسرائیل به‌وسیله‌ی اهرم‌های سیاسی در دسترس خود بود. یعنی تهدید مشترکی به نام اسرائیل، برای دو کشور ایران و سوریه کافی بود که بتوان گفت: «ایران و سوریه به‌رغم اهداف متفاوت خود ... اتحاد راهبردی را مستحکم کرده‌اند» (بندتا،۲۰۱٤: ۱۷۱) شرایط هم نشان می‌دهد که ایران و متحدان آن راهبرد مقاومت را هدف خود می‌دانند و درنتیجه از هر وسیله‌ای برای ضربه زدن به منافع اسرائیل قدم بر می‌دارند. یعنی «این دو کشور (ایران و سوریه) از نفوذ اجرایی بالایی در اراضی اشغالی برخوردارند که می‌توانند اسرائیل را در تنگنا قرار دهند»(بندتا،۲۰۱٤: ۱۷۱)[1].

امریکا و اسرائیل در مناقشه سوریه

اولین هدف راهبردی امریکا، تضمین جریان انرژی خاورمیانه به سمت غرب است.

دومین گزینه ، پیشبرد فرایند به‌اصطلاح صلح خاورمیانه است. موضوع اسرائیل و تعهد امریکا مبنی بر تضمین حیات و امنیت آن، بعد از جنگ جهانی دوم همواره موجب چالش، تعارض، جنگ و رقابت میان بازیگران درون منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای بوده است و ایفای نقش بازیگران جهانی را مزید علت شده است.

گزینه سوم از اهداف راهبردی امریکا، تأمین و تضمین منافع و امنیت اسرائیل است. تضمین موجودیت، منافع و امنیت اسرائیل، همواره از اهداف برنامه‌های غیرقابل تغییر امریکا از ابتدای پیدایش این رژیم بوده است. دلایل این رابطه ویژه و استثنایی، پژوهش مبسوطی را می‌طلبد، اما واقعیت آن را همگان صحه گذارده و تأیید می‌نمایند.

گزینه چهارم از اهداف امریکا در خاورمیانه، مقابله و یا حداقل کنترل کشورهای مخالف منافع امریکا به نظر می‌رسد. این گزینه می‌تواند سایر اهداف را تحت پوشش خود قرار دهد. جمهوری اسلامی ایران، شاخص‌ترین و سرسخت‌ترین دشمن امریکا و اسرائیل در منطقه و جهان است؛

آخرین و پنجمین هدف راهبردی امریکا در منطقه خاورمیانه، گسترش فرهنگ آمریکایی در پوشش ایجاد دموکراسی، ایجاد بازار آزاد و سکولاریسم در منطقه است.

1. Benedetta

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

اما به نظر می‌رسد با ادامه بحران، ورود قاطع آمریکا که داعیه رهبری جهان به‌صورت دیپلماتیک یا نظامی را دارد، به‌طور مداخله مستقیم تقریباً حتمی خواهد بود. بدون تردید در این مسیر آمریکا در تلاش خواهد بود که از یک‌سو همراهی قدرت‌هایی چون روسیه و چین را به‌نوعی کسب کند و از سوی دیگر در کنار اتخاذ هر نوع اقدامی در سوریه در تلاش خواهد شد تا مناقشات احتمالی ایجاد شده برای اسرائیل نیز به حداقل رسانده شود.

روسیه-چین در مناقشه سوریه

با توجه به شواهد موجود، روسیه و چین تا زمانی که منافعشان در قبال بحران سوریه تأمین نشود، به مخالفت‌های خود با غرب در این خصوص ادامه خواهند داد. در تائید این نظر باید به سفر پوتین به اسرائیل اشاره کرد. به گفته سخنگوی وزارت امور خارجه اسرائیل، پوتین اظهار داشته، منافع روسیه در سوریه از اهمیت بالایی برخوردار است و بنابراین تا زمانی، از بشار اسد حمایت خواهد کرد که منافع روسیه تأمین شود. این اظهارات نشان می‌دهد که حمایت روسیه از اسد برای آنان قابلیت معامله را دارد. درواقع روسیه با کارت سوریه وارد بازی شده است و در صورت گرفتن امتیاز، کنار خواهد رفت(انا،۲۰۱٤: ۷۲)[1]. این دو کشور در ظاهر امر مخالف هرگونه اقداماتی برای تغییر رژیم[2] در سوریه هستند و دلایل آن به نظر می‌رسد، موارد زیر است:

- رقابت سنتی مبارزه ایدئولوژیک این دو کشور با هژمونی سرمایه‌داری آمریکا
- وجود پایگاه نظامی روسیه در خاک سوریه
- کسب منافع مالی و سوءاستفاده‌های اقتصادی این دو کشور در مواقع بحران از کشورهای جهان سوم
- ترس از گسترش تغییر رژیم‌ها و حرکت این تغییرات به‌سوی آمریکایی شدن منطقه(آدم،۲۰۱۳: ۳٦).

سیاست دو کشور با تکیه‌بر مواضع رسمی آن‌ها از یک‌سو و عملکرد دیپلماسی این دو کشور از سوی دیگر به تحلیلی رسیده که در پیش روی شما قرار داده‌شده است. نکته مهم دیگر اینکه منافع ملی کشورها می‌تواند منطبق باهم باشد بدون آنکه الزاماً معنای مداخله

1. Anna.
2. Regime Change

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

داشته باشد. یعنی اگر ایران و روسیه در سوریه به ایجاد مصالحه بین اسد و مخالفانش کمک می‌کنند تا به یک راهکار عملی برای استقرار ثبات و امنیت در این کشور دست یابند به این اقدام نمی‌توان انگ مداخله جویی و نقض حاکمیت ملی و آزادی‌های فردی اتباع سوریه را وارد ساخت.(لوری،۲۰۱٤: ۸۸)[1].

منافع و سیاست روسیه در سوریه

هدف و انگیزه اصلی روسیه در حمایت از بشار اسد و مخالفت با دشمنان او بر اساس نافع ملی توجیه می‌شود. اما چرا منافع روسیه در حمایت از اسد مطرح می‌شود؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت به سه دلیل عمده منافع ملی روسیه در سوریه با سرنوشت بشار اسد گره‌خورده است:

۱- مسکو تمایلی به تشکیل حکومت طرفدار غرب در دمشق ندارد. زیرا روی کار آمدن چنین دولتی را تهدید منافع بلندمدت خود در سوریه می‌داند. روسیه در حال حاضر در کلیه سطوح سیاسی، اقتصادی و نظامی قراردادهای راهبردی با دولت سوریه دارد که در صورت سرنگونی دولت اسد همه این قراردادها با خطر جدی روبرو خواهد شد. (آدم،۲۰۱۳: ۳۰)[2].

۲- مخالفان اسد در سوریه و خارج از این کشور طیف وسیعی از چپ‌گرایان تا غرب‌گرایان و اسلام‌گرایان تندرو را شامل می‌شوند که از نگاه مسکو هیچ‌کدام جایگزین مناسبی برای تشکیل یک حکومت مردم‌گرا در سوریه نیستند. بلکه دقیقاً به خاطر حمایت علنی و همه‌جانبه آمریکا، انگلیس، فرانسه، ترکیه، امارات، عربستان و قطر از مخالفان اسد این یقین برای روس‌ها شکل‌گرفته است . غرب و به‌ویژه آمریکا درصدد هستند با مدیریت تحولات در جهان عرب تغییرات موردنظر خود را برای ایجاد آنچه در سال ۲۰۰۵ خاورمیانه جدید می‌خواندند، به وجود آورند. درنتیجه آن‌ها برای از دست ندادن موقعیت خود در آینده خاورمیانه می‌کوشند از سقوط دولت اسد که آخرین سنگر نفوذ روس‌ها در این منطقه محسوب می‌شود، به هر شکل ممکن جلوگیری کنند. (اشنایدر، ۱۳۸۸: ۹۸).

چالش‌های روسیه در سوریه:

۱- روسیه در درجه اول خود را رودررو با آمریکا می‌بیند و تصمیم جدی خود را برای

1. Lori Plotkin
2. Adam

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

جلوگیری از به روی کار آمدن دولت حامی غرب در دمشق گرفته است فرض مصالحه و معامله با امریکا برکنار کردن اسد مانند کاری که با میلوسویچ در صربستان شد، دور از واقعیت‌های موجود است و تقریباً کمتر از پنج درصد امکان وقوع دارد

۲- روسیه به‌صورت جدی از طرح کوفی عنان حمایت می‌کند، چراکه بر اساس این طرح اسد به‌عنوان طرف مذاکرات مشروعیت بین‌المللی پیدا کرده است و حضور ناظران صلح کمک می‌کند تا روشن شود مخالفان صرفاً به مبارزه مسالمت‌آمیز دست نمی‌زنند بلکه آن‌ها با اقدام‌هایی نظیر بمب‌گذاری و پرتاب خمپاره و موشک در عمل سوریه را به سمت جنگ داخلی پیش می‌برند.

۳- روسیه در مناسبات خود با ترکیه بر سر سوریه دچار چالش جدی دیگری شده است. اردوغان از مخالفان اسد در سوریه و به‌خصوص اخوانی‌ها حمایت می‌کند درحالی‌که سوریه هنگامی‌که از کردهای ترکیه حمایت می‌کرد، اردوغان این مسئله را مداخله در امور کشور خود قلمداد می‌کرد ولی اکنون ترکیه به‌صراحت به مخالفان اسد کمک می‌کند و آن را دخالت در امور داخلی سوریه نمی‌داند.

این برخورد دوگانه مستمسکی شده است تا روسیه با اتکاء به آن انتقادات تندی را علیه آنکارا مطرح کند به‌ویژه آنکه ترکیه پایگاه راداری ناتو را در خاک خود جای‌داده که از نگاه روسیه تهدیدکننده امنیت ملی این کشور است. ترکیه به دنبال آن است که اخوانی‌های سوریه بتوانند با کمک نیروهای غرب‌گرا در سوریه جایگزین حاکمیت علوی‌ها (بشار اسد و همکارانش) در این کشور شوند. این موضوع همان‌طور که گفته شد هم ازلحاظ منافع ملی روسیه و هم ازلحاظ منافع منطقه‌ای در تعارض باسیاست روسیه قرارگرفته است (سیل،۲۰۱۳: ۱۰۱-۱۰۷)[1]

٤- روسیه در مناسبات خود با فرانسه و انگلیس نیز بر سر سوریه وارد چالش جدی شد. باوجودآنکه روسیه در سال‌های اخیر با لندن مشکلات جدی داشت و اختلاف با سوریه عمق این اختلاف‌ها را بیشتر کرد، اما شروع درگیری با فرانسه بر سر سوریه برای مسکو چندان خوش‌آیند نیست. (اشنایدر،۱۳۸۸:٦۷).

1. Seale

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

همکاری ایران و روسیه در مناقشه سوریه

مشترکات میان سیاست ایران و روسیه در ارتباط با بحران سوریه و به تبع آن همکاری آنان دارای عوامل مختلفی است. اول اینکه،در سطح تحلیل جهانی آنچه ایران، به عنوان قدرتی منطقه‌ای، و روسیه، به عنوان قدرتی جهانی را دارای منافع مشترک می‌سازد، رویکرد تجدیدنظرطلبانه آن دو کشور در قبال نظم موجود در نظام بین‌المللی است. هر دو کشور از جایگاه فعلی خویش در عرصه بین‌المللی ناراضی هستند و به راهبرد تغییر وضع موجود جهت رسیدن به منزلت مطلوب متعهدند. همکاری‌های میان ایران و روسیه را می‌توان از احساس تهدید مشترک دو کشور از سوی آمریکا و یا ناشی از تمایل آنها به برقراری موازنه قدرت با این کشور تفسیر کرد. از نظر والتز، نوع برخورد آمریکا با روسیه و ایران در دوره پس از فروپاشی شوروی، این دو کشور را به سوی همکاری با یکدیگر سوق داده است. (باقری دولت آبادی، ۱۳۹۳: ٤٦-٤٤). موشک‌های دوربرد روسیه با شلیک از کشتی‌های جنگی این کشور در دریای خزر و عبور از آسمان ایران، به اهداف مورد نظر در سوریه اصابت کردند. در مورد دیگر، در ١٦ اوت سال ٢٠١٦ جنگنده‌های روسی از نوع بمب افکن‌های دوربرد TU-22M3 و تاکتیکی SU-34، از پایگاه هوائی نوژه، به بمباران اهداف مورد نظر در سوریه پرداختند. اجازه ایران به روسیه برای استقرار هواپیماهای جنگی این کشور در خاک خود که اولین بار بعد از انقلاب اسلامی صورت پذیرفته، نشان‌دهنده سطح بالای همکاری‌های دو طرف در بحران سوریه است. همکاری دو کشور در بحران سوریه تا به آن حد رسیده است که حضرت آیت الله خامنه ای، در دیدار پوتین با ایشان، همکاری‌های تهران و مسکو را در عرصه های سیاسی و امنیتی مناسب ارزیابی، و از گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی میان دو کشور استقبال نمود و از حضور اثرگذار روسیه در مسائل منطقه‌ای به ویژه سوریه تمجید کردند. پوتین نیز ایران را متحدی مطمئن در منطقه و جهان قلمداد نمود (صادقی و مرادی، ١٣٩٦: ١٦٦). همسویی سیاست روسیه و ایران در ارتباط با تحولات سوریه را می توان در موارد ذیل خلاصه کرد: اول، دو کشور از انجام اصلاحات در ساختار نظام سوریه به منظور ایفای نقش بیشتر مردم برای تعیین سرنوشت شان حمایت می‌کنند و معتقد به راه حل مسالمت آمیز می باشند. دوم، آنها با مداخله کشورهای دیگر در زمینه مسلح کردن مخالفان اسد به شدت مخالفند. سوم، هر دو کشور از طرح سازمان ملل حمایت کردند اما در همین

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

حال از عملکرد نیروهای ناظر صلح نگران هستند. چهارم، روسیه و ایران با به قدرت رسیدن گروه‌های تکفیری مخالف می‌باشند. پنجم، مسکو و تهران، با مداخله نظامی در سوریه تحت هر پوششی مخالفند. سرانجام اینکه، بحران سوریه در سایه همکاری همه جانبه قابل حل و فصل خواهد بود. (اصولی و رسولی، ۱۳۹۲: ۸۹).

منافع آمریکا و روسیه در مبارزه با تروریسم در منطقه

درحال حاضر منافع آمریکا و روسیه در زمینه جلوگیری و کاهش استفاده از سلاح‌های هسته‌ای و دیگر سلاح‌های کشتارجمعی و کاهش خطر حملات تروریستی بزرگ، همگرا است. هر دو این تهدیدات از بی‌ثباتی و خشونت در شرق میانه که در آن سازمان‌هایی نظیر دولت اسلامی عراق و شام (داعش) و القاعده سابق وجود دارند ناشی شده است. هم القاعده و هم داعش علاقه زیادی به استفاده از سلاح‌های کشتارجمعی و شیمیایی از خود نشان داده‌اند. هر دو این سازمان اقدام به استخدام شهروندان آمریکا، کشورهای اتحادیه اروپا و روسیه برای مبارزه در صفوف خود و همچنین حملات تروریستی نموده‌اند. روسیه بیشتر به تهدید تروریستی ناشی از شرق میانه به‌خصوص داعش می‌اندیشد و گسترش قلمرو آن را برای پیشبرد خلیفه‌گری می‌داند. سرگئی اسمیرنوف معاون اول روسیه در امنیت فدرال در سپتامبر ۲۰۱۵ تخمین زده است که در حدود ۲٤۰۰ نفر از اتباع روسیه به جنگ در کنار دولت اسلامی عراق و شام پرداخته‌اند. همچنین ۳۰۰۰ نفر از اتباع جمهوری‌های آسیای مرکزی در کنار صفوف داعش قرارگرفته‌اند. علاوه بر این اتباع روسیه و دیگر جمهوری‌های شوروی سابق در سازه‌های وابسته به القاعده در شام مبارزه می‌کنند (سردژیان،۲۰۱۵: ٦٦)

جدول شماره۲: منافع ملی آمریکا و روسیه در مناقشه سوریه.

جلوگیری و کاهش تهدیدات علیه منافع روسیه در مجاورت مرزهاب متحدان آن مانند سوریه	کاهش تهدیدات علیه منافع ملی آمریکا، در مجاورت مرزهای متحدان مانند سوریه	همگرا
جلوگیری از نا آرامی در مرزهای روسیه– همچنین ثبات در کشورهای دوست(همانند سوریه)	حفظ و توازن قدرت در اروپا و آسیا (در خاورمیانه و سوریه)	همگرا
حفظ روابط روسیه با هسته اعضای اتحادیه اروپا، آمریکا و چین و (سوریه و عراق)	ایجاد و حفظ روابط تولیدی سازگار با منافع ملی آمریکا و (سوریه و عراق)	همگرا
اطمینان از ثبات بازار برای جریان صادرات و واردات روسیه (همچنین در سوریه)	اطمینان از ثبات تجارت جهانی،منابع انرژی و محیط‌زیست)(همچنین در سوریه)	همگرا

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

جلوگیری از دستیابی کشورهای همسایه به سلاح هسته‌ای و موشکی در مرزهای روسیه	جلوگیری و کاهش سرعت گسترش سلاح‌های هسته‌ای	همگرا
جلوگیری از تروریسم پایدار	جلوگیری از تروریستم پایدار	همگرا
تضمین بقای متحدان روسیه	تضمین بقای متحدان آمریکا	همگرا
توجه به راهبردی بودن منابع و منافع در منطقه خاورمیانه اعم از عراق و ایران و سوریه	توجه به راهبردی بودن منابع و منافع در منطقه خاورمیانه اعم از عراق و ایران و سوریه	همگرا

(سردژیان،۲۰۱۵: ٦٥)[1]

سناریوهای احتمالی برای آینده سوریه می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

۱- بقای نظام فعلی سوریه با اقداماتی از قبیل انجام اصلاحات سیاسی و اقتصادی، گفتگوی ملی، انتقال قدرت به وابستگان فکری اسد.

۲ -ایجاد نظام محافظه‌کار: که با توجه به حضور متعدد لایه‌های خواهان قدرت، اجماع به‌دشواری به دست می‌آید از سویی این سناریو از حمایت حکومت‌های منطقه و غرب برخوردار می‌شود و نقشه سیاسی منطقه با انزوای ایران و تضعیف مقاومت تغییر خواهد کرد.

۳- قدرت‌یابی گروه‌های سلفی و افراطی: این گروه اگرچه در بدو امر با حمایت کشورهای منطقه روبرو خواهند شد، اما به دلیل ظرفیت پایین این طیف در همکاری و تعامل با سایر بازیگران، به گسترش رادیکالیسم در منطقه منجر خواهند شد و از طرفی اقلیت‌های مذهبی به‌ویژه علویان و دروزی‌ها در شرایط بسیار نامساعدی قرار خواهند گرفت.

٤- جنگ داخلی: شرایط سوریه با تقویت گروه‌های معارض و ناتوانی دولت مرکزی در تأمین ثبات و امنیت می‌تواند به جنگ داخلی منجر شود. رقابت گروه‌ها در کسب قدرت بدون حصول به نتیجه مؤثری سبب گسترش بی‌ثباتی‌ها ، تغییرات مستمر در این کشور و تسری آن در سطح منطقه خواهد شد که همزمان می‌تواند به تضعیف مقاومت و بهره‌برداری قدرت‌ها از اوضاع سوریه در جهت منافع آن‌ها منجر شود.

آنچه مسلم است اینکه عوامل خارجی در راستای تحقق منافع خود با صدور تروریسم و افراطی‌گری به سوریه کشوری که دامنه پایینی از انسجام قومی و مذهبی را دارد و متأسفانه مؤلفه‌های مؤثری را در زمینه بهره‌مندی از قدرت برای تحقق خواسته‌ها و تأمین اهداف و منافع ملی ندارد این کشور را به کانون جدیدی برای مداخله و آشوب مبدل نموده‌اند در این راستا بازیگران خارجی با سناریوسازی و همسویی با برخی کشورهای منفعل منطقه نسخه‌ای

1. Saradzhyan

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

را برای سوریه تدارک دیده‌اند که به مسیری شکل می‌دهد که می‌تواند شکل‌دهنده عرف جدیدی در رابطه میان کشورهای غربی و متحدانش با سایر کشورهای جنوب در عرصه بین‌المللی باشد و همچنین سبب نادیده گرفتن اصول منشور سازمان ملل در تعیین حق سرنوشت ملت‌ها و اولویت گفتگوهای سیاسی بر راه‌حل‌های نظامی را آشکار می‌سازد. نقش اسد در این دوران گذارِ سیاسی، باید در جریان مذاکرات مشخص تعریف و بررسی شود. از یک‌سو حامیان ایالات‌متحده آمریکا خواستار جابجایی قدرت از اسد بوده‌اند و برعکس در آن‌سو، روسیه و جمهوری اسلامی ایران و برخی کشورهای حامی دولت اسد و مردم سوریه می‌باشند. البته با ورود و فعال شدن نقش روسیه در حمله به مخالفان دولت سوریه در ایام کنونی، از مواضع قبلی خود عقب نشسته و مقامات آمریکایی و اروپایی و حتی ترکیه باوجود تأکید بر لزوم تغییر در قدرت سوریه و جابجایی اسد ،گفته‌اند که این جابجایی و کناره‌گیری لازم نیست بلافاصله انجام پذیرد. حال‌آنکه تا قبل از این، نظر قدرت‌های غربی بسیار متفاوت بود. آینده تحولات سوریه از وضعیت خشونت، جنگ و کشتار بیرون خواهد آمد و شرایط سیاسی این کشور به سویی خواهد رفت که گروه‌های مخالف دولت بتوانند خواسته‌های سیاسی خود را در مسیر مسالمت‌آمیز پیگیری نمایند که البته این دست‌یابی در مرحله نخست به نفع مردم سوریه و تحولات منطقه‌ای و فرای آن ،که این نگاه امروزه به نفع سوریه در عرصه بین‌المللی تغییر کرده است. بنابراین بازیگران به این سمت می‌روند که وضعیت را در یک فرایند مرحله‌ای انتقال قدرت قرار دهند و قدرت‌های غربی به این نتیجه رسیده‌اند که دولت سوریه، دولتی نیست که با جنگ داخلی قدرت خود را از دست بدهد. تا زمانی که شرایط دوقطبی صورت نگرفته و بدنه اصلی اجتماع طرفدار دولت فعلی سوریه وجود داشته باشد، این قدرت از هم نمی‌پاشد و مردم و ملت سوریه می‌توانند آینده خود را رقم بزنند.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

نتیجه

کشمکش سیاسی درصحنه میدانی همچنان ادامه دارد اما جدال برای حفظ حکومت بشار اسد از سوی برخی قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی از یک‌سو و تلاش برای براندازی این حکومت منطقه خاورمیانه را به پرتنش‌ترین نقطه جهان تبدیل کرده است. با توجه به درآمیختگی ابعاد داخلی و خارجی بحران سوریه، موضوع بازیگران داخلی و خارجی این تحولات نیز موضوعی به‌هم‌پیوسته و درهم‌تنیده بود، به‌طوری‌که رفتار آنان به گونه انتزاعی و مجزا قابل تبیین و تحلیل نیست. مثال آن شکل‌گیری و فعالیت شورای ملی مخالفان دولت سوریه در استانبول و تعامل مستقیم آن با ترکیه است و یا همکاری و تعامل دولت دمشق با بخشی از بازیگران و نهادهای خارجی. طولانی شدن بحران سوریه، بازیگران متعددی را به‌تدریج وارد این عرصه کرده است. تاکنون هیچ پرونده منطقه‌ای تا این حد طرف‌های مختلف بین‌المللی و منطقه‌ای را درگیر نکرده است. در این عرصه بازیگران و نقش‌آفرینان اصلی به لحاظ ساختاری به سه دسته تقسیم می‌شوند. بازیگران دولتی، سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی. بحران سوریه، منطقه را وارد دسته‌بندی نوینی کرده است. به‌طور مثال چین و روسیه و ایران و عراق و تا حدودی لبنان و برخی سازمان‌های غیردولتی در یک جبهه در مقابل دولت‌های غربی، ترکیه، بخشی از اعراب مثل عربستان سعودی و قطر و برخی سازمان‌های غیردولتی هم چون جریان اخوان المسلمین صف‌آرایی کرده‌اند درحالی‌که برخی از جریان‌ها درگذشته نه‌چندان دور در جبهه مقابل قرار داشتند، اما در بحران سوریه به بازتعریف منافع راهبردی خود پرداخته‌اند. پیچیدگی پرونده سوریه بسیاری از طرف‌ها را دچار تعارض و پارادوکس کرده است. برخی از این تعارضات پنهان است و برخی آشکار. هم در جبهه حامیان دولت سوریه این چالش‌های درونی وجود دارد وهم در جبهه مقابل و مخالفان دولت سوریه. اخوان المسلمین و جنبش حماس در بحث مقاومت، جمهوری اسلامی در بحث حمایت از جهان اسلام یا رهبران سوریه، فرانسه در بحث حمایت از اقلیت‌های مسیحی منطقه، ترکیه و رژیم صهیونیستی در نگاه امنیتی به اوضاع سوریه و آینده مبهم آن‌همه با چالش درونی روبرو هستند. ماهیت مواضع بازیگران خارجی در پرونده سوریه متفاوت از یکدیگر است. به عبارت روشن‌تر این بازیگران بر اساس منافع خود در سه سطح «همکاری، رقابت، و تقابل» با موضوع سوریه در تعامل هستند. بنابراین بروز اختلاف حتی در درون یک جبهه نیز

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

اجتناب‌ناپذیر و قابل‌مشاهده است. برخی از این اختلافات ناشی از رویدادهای کهنه و دیرینه بوده و باهدف نوعی انتقام‌گیری در ذهن صاحبان آن دنبال می‌شود. برخی دیگر در پی ارتقاء منزلت و جایگاه استراتژیک منطقه‌ای است همچنان که بخشی نیز متأثر از فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی بوده و البته برخی در پی تغییر معادلات راهبردی منطقه هستند. طی سال‌های اخیر قطب‌های جدید قدرت در خاورمیانه سر برآورده‌اند. ترکیه و عربستان از آن جمله‌اند. این دو مشترکا در پی ساقط کردن دولت بشار اسد در سوریه هستند، اما درعین‌حال منافع متضاد زیادی دارند که مانع از هماهنگی و یا اتحاد آن‌ها در موضوع سوریه خواهد شد. هدف دیگر عربستان از فروپاشی نظام اسد در سوریه تضعیف قدرت منطقه‌ای و نفوذ ایران در خاورمیانه است، تا توازن قدرت را به سود خود تغییر دهد. تحولات دهه اخیر در دو حوزه عربی لبنان و عراق که به سود جمهوری اسلامی دنبال می‌شود، برای حاکمان سعودی قابل‌تحمل نیست. آن‌ها در این رابطه از ابزار اتحادیه عرب برای برخورد با سوریه بهره می‌گیرند.

مهم‌ترین تغییر در بلوک‌بندی جدید منطقه‌ای و بین‌المللی خروج ترکیه و چند کشور منطقه‌ای از گروه کشورهای موازنه کننده در نظام منطقه‌ای و بین‌المللی و ایفای نقش فعال در براندازی دولت سوریه است. هم‌چنین برخی از بازیگران مانند قطر به جرگه کشورهای فعال در این حوزه وارد شدند. اگرچه عربستان و ترکیه و قطر در مورد روی کار آمدن مدل اخوانی یا سلفی در سوریه توافق چندانی ندارند و جنگ خاموش بین این کشورها در جریان است اما نکته اشتراک آن‌ها سقوط اسد و تضعیف محور مقاومت در منطقه است از منظر ابقا یا رفتن دولت اسد بلوک‌بندی منطقه‌ای را می‌توان در تصویر زیر ارائه کرد. عراق بازیگر دیگری بود که چند ماه پس از بحران سوریه خود وارد بزرگ‌ترین بحران امنیتی چند دهه گذشته شد. ظهور داعش در عراق که ناشی از خلأ قدرت و برخی تحولات داخلی بود و جنایات فجیعی که تروریست‌های داعش در این کشور مرتکب شدند باعث شد که عراق وارد جریان طرفدار مقاومت شده و حتی در زنجیره مقاومت قرار گیرد. کردها، جریان کردستان عراق و گروه‌ها و بازیگران تأثیرگذار در تحولات منطقه‌ای در محور ایران و مخالفین ترکیه و عربستان قرار گرفتند. این درحالی بود که تنش‌های داخلی در کشور ترکیه میان کردها و دولت مرکزی بالا گرفت و گروه‌های مختلف برای مقابله با گروه تروریستی داعش وارد جنگ منطقه‌ای شدند. در حال حاضر ترکیه تغییر رویکرد داده و به روسیه و ایران نزدیک شده است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

منابع

اشنایدر، کریگ(۱۳۸۸). امنیت و راهبرد در جهان معاصر، ترجمه اکبر عسگری صدر، فرشاد امیری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

اصولی، قاسم، رسولی، رویا(۱۳۹۲). روابط ایران و روسیه: فرصت‌ها، چالش‌ها و سازوکارهای بسط روابط، «فصلنامه سیاست خارجی». سال بیست و هفتم، شماره ۱، صص.۷۱-۹۸.

باقری دولت آبادی، علی(۱۳۹۳). رویکرد نظری به علت توسعه روابط ایران و روسیه از زمان فروپاشی اتحاد شوروی تاکنون، «مطالعات اوراسیای مرکزی» دوره ۷، شماره ۱، صص.۳۷-۵۶.

بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

حسینی، حسن (۱۳۸۳). طرح خاورمیانه بزرگ. تهران: نشر مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

درآینده، روح الله؛ احمدی، حمید (۱۳۹۷). سیاست روسیه در بحران سوریه و پیامدهای آن بر منافع ملی ایران، «مطالعات روابط بین‌الملل» دوره ۱۱، شماره ٤٤، زمستان، ،صص۹۵-۶۹.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال(۱۳۹۱).بیداری اسلامی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران،«فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی»، سال۹، ش۳۸، صص٦٤-۲۳.

راجرز، پال، زوال کنترل(۱۳۸٤). امنیت جهانی در قرن ۲۱، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی و مژگان جبلی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

سعادت، علی و همکاران(۱۳۹٦).بررسی تأثیر بحران سوریه در تغییر بلوک‌بندی‌های جدید منطقه‌ای و بین‌الملل، «رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی»، سال۸، ش۲، صص۵۲-۳٤.

سیف زاده، حسین(۱۳۸٦). معمای امنیت و چالش‌های جدید غرب، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه.

صادقی، سید شمس الدین، مرادی، سمیران(۱۳۹٦). تحلیل ائتلاف ایران و روسیه در پرتو بحران سوریه، فصلنامه اوراسیای مرکزی. دوره ۱۰، شماره ۱، صص.۱۵۳-۱۷۰.

عباس‌زاده فتح‌آبادی، مهدی و مهدی‌پور، میلاد (۱۳۹۳). انگیزه‌های روسیه در پشتیبانی از دولت سوریه، «اطلاعات سیاسی- اقتصادی» شماره ۲۹۷، صص.۲۰-۳۳.

کوهن، سوئل بی(۱۳۸۷). ژئوپلیتیک نظام جهانی، ترجمه عباس کاردان، تهران: انتشارات ابرار معاصر.

کسینجر، هینری (۱۳۹۳). دیپلماسی آمریکا در قرن ۲۱، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی، تهران: انتشارات مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

مورگنتا، هانس جی (۱۳۸٤). سیاست میان ملت‌ها: تلاش درراه قدرت و صلح، ترجمه حمیرا مشیر زاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

یزدان‌فام، محمود (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر تحلیل سیاست خارجی، «فصلنامه مطالعات راهبردی»، شماره ٤۰ سری دوم، صص ۲۷٦-۲٤۷.

یزدانی، عنایت الله؛ طحانیان زاده، عاطفه؛ فلاحی، احسان (۱۳۹٦). بررسی مقایسه‌ای راهبرد ترکیه و

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

عربستان در بحران سوریه، «پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام»، دوره ٦، شماره ٣، شماره پیاپی ٢٣، پاییز، صص١٩٢-١٦٩.

Adam Entous, Nour Mallas, and Margaret Coker, (2013). A Veteran Saudi Power Player Works to Build Support to Topple Assad, The Wall Street Journal.

Adams, Simon. (2015). Failure to Protect: Syria and UN Security Council, Global Center for the Responsibility to Protect. No. 5.pp. 1-32.

Anna, Barnard (2014).Saudis' Grant to Lebanon Is Seen as Message to US, the New York Times, and January.

Bailys, John & Smith Steven, (2001). The Globalization of World Politics (An Introduction to International Relations). Oxford: Oxford University Press.

Benedetta, Berti (2012) Lebanon's Quest for Independence: Between Fragmentation, Political Instability and Foreign Intervention, Religion, Education, and Governancein the Middle East: Between Tradition and Modernity, Sai Felicia Krishna-Hensel (ed.) London.

Cordesman, Anthony H (2012).The Myth or Reality of US Energy Independence, available in http://csis.org/files/publication/130103_us_energy_indepe

Friedman, George (2011). Syria, Iran and the balance of power in the Middle East, 22, dec. 2011, accessed at: http://www.stratfor.com/weekly/20111121-syria-iran-andbalance-power-middle-east

Gilpin, R, (1981).War and Change in World Politics. Cambridge: Cambridge

Griffiths, Martin, (2006). Fifty Key Thinkers in International Relations. (New York: Rutledge.

Hinnebusch, Raymond. (2012).Syria: From Authoritarian Upgrading to Revolution, International Affairs. No. 88. Vol. 1, pp. 95-113.

Jeffrey, Taliaferro (1999). Security under Anarchy. Columbia International Affairs. Washington. D.C. February.

Jones, M. Lynn (1995). Offense - Defense Theory and Its Critics, Security Studies. No 4. VOL 4. Summer.

Keohane, R.O & Nye J.S, (1977). Power and Interdependence: World Politics in Transition, Boston: Little Brown.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

Kissinger, Henry (1973). A World Restored. London. Gollanz.

Laub, Zachary and Masters, Jonathan (September 11, 2013). Syria's Crisis and the Global Response, Council on Foreign Relations.

Mearshemer, John, (2003). Tragedy of Great Power Politics, NewYork: W.E. Norton.

Morgenthau, H. J (1985). Politics among Nations: New York: Alfred Knop). Quarterly Press.

Ottaway, Marina and Amr Hamzawy (2011). Protest Movements and Political Change in the Arab World, Policy Outlook, Carnegie: Endowment for International Peace.

Saradzyan, Simon (2015). U.S. and Russia Share a Vital Interest in Countering Terrorism, Available at:http://belfercenter.ksg.harvard.edu/

Sharp, Jeremy M. and Blanchard, Christopher M. (2013). Armed Conflict in Syria: U. S. and International Response, Congressional Research Service (CRS) Report for Congress, 7-5700, June, Available at: http://www.crg.gov, Accessed on: 18/06/2013.

Wallerstein, Immanual (1980). Friends and Foes Foreign Pollicy, international studies, No. 40 fall.

Walt, Stephen (1980). , The Oringis of Alliances, Ithaca, New York: Cornell University Press, vi-viii

Williamson, D, (2003). War and Peace, International Relations: 1919-39, London.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۹۰۱۰۵

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

میرزائی، محمدمهدی؛ امیری، سروش (۱۳۹۸)، «تبیین راهبردهای محورهای سه‌گانه داخلی، منطقه‌ایی و بین‌المللی در مناقشه سوریه» *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۹، ش۱، بهار ۹۸، صص ۱۴۰-۱۱۱

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]